

تامین اجتماعی و کسبوکارهای خرد

■ علیرضا خادمی؛ مدیر مسئول ماهنامه اقتصاد دیجیتال

بخش عمده‌ای از نیروهای شاغل کشور در کسبوکارهای خرد و کمبازده استغال دارند. این بخش بار سنگین بیکاری را از روی دولت برداشته است. با توسعه فناوری اطلاعات و تجارت الکترونیک در چند سال اخیر افرادی که مستقیم یا غیرمستقیم در کسبوکارهای خرد فعالیت دارند روزبه‌روز در حال افزایش است اما متأسفانه قوانین مشخصی برای حمایت از این بخش بخصوص در سازمان تامین اجتماعی گذاشته نشده است. مشکلات و سردرگمی‌هایی در این حوزه وجود دارد که مانع ادامه فعالیت این کسبوکارها می‌شود. دلایل آن در ادامه شرح داده شده است.

با توسعه تجارت الکترونیک، بخش عمده‌ای از مشاغل کوچک و خرد در این حوزه فعال شده‌اند. این امر سبب شده تا مشاغل کوچک و خرد بیشتر مورد توجه باشند و موانع آنها بیشتر به چشم بیاید. اما مشاغل خرد و کمبازده همواره در طول تاریخ وجود داشته‌اند و همیشه به علت عدم توجه دولتمردان با مشکلات روپرور بوده‌اند و پس از مدتی به‌خاطر موانعی هرچند کوچک تعطیل شده‌اند از دلایل اصلی آن می‌توان به بروکراسی اداری و عدم حمایت دولت از کسبوکارهای خرد نام برد. از طرفی خیلی قوانین حمایتی برای این بخش یا وضع نشده است و اگر هم موجود است خیلی اجرا نمی‌شود و معمولاً شاهد موانع در اجرای آنها هستیم.

مراجع معتبر در زمینه کسبوکار به کسبوکارهایی با اشتغال زیر ۵۰۰ نفر کوچک می‌گویند و اما منظور در این یادداشت کسبوکارهایی است که زیر ۵ و حتی ۲ یا ۳ نفر در آن فعالیت دارند می‌باشد لذا آنها را خانگی یا خیلی کوچک یا خرد در اینجا نام‌گذاری نمودم و ترجیح دادم از اصطلاحات رایج کارشناسان استفاده نکنم.

عمده کسبوکارهای خرد چشم‌انداز روشنی از آینده ندارند، بخش اصلی صاحبان این مشاغل با امید به آینده و اهداف بلندمدت، پا در این کارآفرینی گذاشته‌اند که متأسفانه به این اهداف نرسیده‌اند و سودی اندک دارند و باز هم با امید به آینده و یا از روی ناچاری این کسبوکار را ادامه می‌دهند البته گروهی هم پس از دوره‌ای بیکار بودن ترجیح دادند تا کسبوکار شخصی خود را ایجاد کنند. نکته مشترک همه این کسبوکارها، کمبازده بودن و آینده نامشخص است و همیشه منتظر فرصتی هستند تا به بهانه‌های مختلف این کسبوکارها را تعطیل نمایند معمولاً این کسبوکارها در هنگام وقوع بحران‌ها بخصوص اقتصادی تعطیل می‌شوند.

چه بسیار افرادی که زندگی‌نامه بیل گیتس را خوانند و به این امید پا به عرصه تجارت الکترونیک گذاشته‌اند اما آنها نه مالک مایکروسافت شده‌اند و نه آمازون اما درآمد محدودی دارند تا با کسب درآمدی حداقلی، خرج زندگی خود را بدهنند. عمده این کسبوکارها ضررده نیستند اما اگر امکان استخدام در ارگانی دولتی یا یک شرکت معتبر را داشته باشند با دردرس و استرس بسیار کمتری، حقوق بیشتری خواهند داشت ضمن اینکه که ساعات کمتری نیز کار خواهند کرد و از مزایای دیگر هم برخوردار خواهند بود. اما بحران بیکاری در جامعه، امید به آینده و همچنین توجیهاتی نظری من ریس خودم هستم باعث شده است که افراد کار خود را ادامه بدهنند. اما تا چه وقت می‌توانند ادامه بدهنند؟

فشارهای مختلف نظری تورم و سوپر تورمها و از همه مهم تر و قتی با قوانین مختلف دولتی و تبعیض‌های بسیاری که روپرور می‌شوند شاید مصمم به خاتمه کار می‌شوند تا ادامه و برنامه‌ریزی برای آینده بهتر! در اولین فرصت تعطیل می‌کنند و در نتیجه نیروهای کاری بسیاری بیکار می‌شوند. دولت اگر می‌خواهد نرخ بیکاری کم شود باید توجه ویژه و حمایت‌هایی از این کسبوکارها داشته باشد؛ چند وقت پیش در گزارشی خواندم که حدود ۴۰ درصد اشتغال کشور به کسبوکارهای بسیار کوچک اختصاص دارد.

یکی از موارد مهمی که هر کسبوکار و هر فرد شاغل بخصوص کارکنان بدان نیاز دارد امنیت و آینده شغلی است و اگر حمایت‌های منطقی و درست انجام شود تا حداقل چشم‌انداز روشنی در دوران بازنیستگی، بیکاری، بیماری و بحران‌هایی نظری همین بحران اخیر کرونا وجود داشته باشد می‌توان افراد بیشتری را تشویق به خوداشتغالی نمود و معضل بیکاری را کاهش داد و از همه مهم‌تر به پایدار ماندن و توسعه این مشاغل کمک نمود.

در این رسانه و یا رسانه‌های دیگر سعی می‌کنم تا از موانع کسبوکارهای خرد، بخصوص آنها بی که از سمت دولتی ایجاد

می‌شوند بیشتر بنویسم اما در این یادداشت ترجیح می‌دهم به تامین اجتماعی پردازم چرا که سازمان تامین اجتماعی اولین قدم را می‌تواند در پایدار بودن این کسب و کارها ایجاد نماید. البته این سازمان مشکلات متعددی در مسیر کسب و کارها ایجاد می‌کند که این بحث به خودی خود بسیار طولانی است و در آینده و یادداشت‌های دیگری نیز بدان خواهم پرداخت.

آیا همه مشاغل می‌توانند فضای کسب و کار مستقل داشته باشند؟

چند سالی است عکس‌هایی از محل‌هایی که ابر شرکت‌های تکنولوژی فعالیت خود را شروع کرده‌اند نظری مايكروسافت، گوگل و آمازون و داستان شروع بکار ebay را دیده و شنیده‌ایم اما آیا در کشور ما به راحتی و در هر مکانی می‌توان کسب و کار خود را شروع کرد؟ آیا سازمان‌های مختلف دولتی و حکومتی به آنها این اجازه را خواهد داد؟

یکی از ساده‌ترین کارها که مورد تایید کارشناسان، این است که دولت بروکراسی اداری را برای این کسب و کارها به حداقل برساند و تعریف مشخصی برای آنها داشته باشد. از همه مهم‌تر با تسهیل شرایط بیمه‌ای بخصوص بیمه تامین اجتماعی که مرجع اصلی در این حوزه است می‌تواند حداقل دلگرمی و تداوم مشاغل خرد را ایجاد نماید.

عمر تجارت الکترونیک در کشور کمتر از ۲۰ سال و فرآگیری آن بین عامه مردم کمتر از ۱۰ سال است و خیلی کارشناسان اقتصاد دیجیتال در یادداشت‌ها و گزارش‌های مختلف به بازنگری در قانون تامین اجتماعی برای این مشاغل اشاره کرده‌اند هرچند که اعتقاد دارم که پیش از اینکه سازمان تامین اجتماعی و هرگونه سازمان بیمه‌ای تشکیل شده باشد کسب و کارهای بسیار کوچک و خانگی وجود داشته است. پس قانون‌گذاران قوانین تامین اجتماعی چرا این گروه از کسب و کارها را خیلی در نظر نگرفته‌اند جای تفکر دارد؟!

اما چرا حداقل در این ۱۰ سالی که تجارت‌های خانگی و کوچک الکترونیک فرآگیر شده است از طرف دولت و نهادهای قانون‌گذاری نظری مجلس بدان نپرداخته و جهت رفع آن اقدامی نشده است جای سوال دارد.

پس از دولت دوازدهم و با روی کار آمدن آقای شریعتمداری در راس وزارت کار، رفاه و تامین اجتماعی ایشان یکی از اهداف خود را قانونمند کردن این سازمان اعلام کرده‌اند البته قانونی که فقط دامن کسب و کارهای خرد را گرفته است. معتقدم عملکرد ایشان ثابت کرده است که به درد یک وزارت و سازمان بازگانی می‌خورند نه یک وزارت‌تخانه حمایتی بنام وزارت خانه کار، رفاه و تامین اجتماعی و اینکه وظیفه این وزارت‌تخانه رفع بیکاری و قرار دادن حداقل کارگان و کارگران زیرپوشش بیمه است. اما ایشان و آقای سالاری مدیرکل تامین اجتماعی تمام تمرکز خود را بر روی شستا گذاشته‌اند.

حتی اعتقاد دارم پس از روی کار آمدن ایشان شستا به عنوان یکی از بزرگ‌ترین هلدینگ‌های دولتی، خود مستقیم یا غیرمستقیم باعث بیکار شدن چندین هزار نفر و ارجاع آنها به بیمه بیکاری شده است که باید از ایشان پرسید شاید سود شستا افزایش یافته است اما بهتر نیست یک آمار از بیمه بیکاری هم اعلام نمایند که خود شرکت‌های تابعه شستا غیرمستقیم یا غیرمستقیم باعث بیکاری آنها شده‌اند و سود شستا را با مبلغ بیمه بیکاری که به آنها پرداخت شده است برآورد و سپس اعلام کنند.

یکی از قوانینی که همواره وجود داشته است و پس از روی کار آمدن جناب شریعتمداری با جدیت اجرا شد گویا هر کد پستی فقط اجازه ثبت یک کارگاه تامین اجتماعی را دارد و بسیاری از کارگاه‌ها توسط بازرسان در این دوره تعطیل شده‌اند و وقتی پیگیری انجام شد گفتند این خلاف بوده است و مافظ کردیم کارگاه را تعطیل کردیم و اگر ادامه بدھید به ضرر خود شما می‌شود و گذشته کاری تان هم زیر سوال می‌رود؟! ما الان لطف می‌کنیم که بدون دردس کارگاه را تعطیل می‌کنیم و مشکلی برای شما به وجود نمی‌آید باید سپاسگزار باشید و اگر پیگیری کنید به ضرر خودتان است!

این قانون در حالی اجرا می‌شود که امروزه بسیاری از کسب و کارها در ایران و دنیا بدون دفتر فعالیت دارند و حتی نیروی استخدامی هم دارند. در کشور ما هم در طول تاریخ معضل مکان کسب و کار و اجاره‌های سراسام‌آور بخصوص در واحدهای تجاری و اداری مانع از ادامه فعالیت کسب و کارها بوده و همواره وجود داشته است و بسیاری از کسب و کارها مجبور به استفاده از دفاتر و فضای اشتراکی شده‌اند.

در ادامه به چند تناقض و اینکه چه ضربه‌ای این قانون به کارگران و بخصوص کسب و کارها وارد کرده است می‌پردازم و تناقض‌های موجود آن را ترجیح می‌دهم کامل شرح بدhem.

همان طور که گفته شد طبق قانون تامین اجتماعی هر کد کارگاه به یک کد پستی اختصاص داده می‌شود. اما چرا برای یک مکان تجاری و یا حتی غیرتجاری با یک کد پستی، برای چندین کد ملی یا شناسه ملی حقوقی پرونده‌های مختلف مالیاتی تشکیل شود و اصلاح مهم نیست؟

تامین اجتماعی و موافعه تراشی

داستان سازمان تامین اجتماعی و اداره کار بسیار طولانی است که معتقدم چندین شماره باید بدان پرداخته شود و رسانه‌ها باید توجه ویژه به آن داشته باشند که تعدادی از آنها در زیر بیان می‌شود:

وضع قوانین برای پرسنل مشاغل

بارها بازرسان به دفاتر کسب‌وکارها مراجعه کرده‌اند و وقتی پرسنل حضور نداشته‌اند طلب برگ ماموریت یا مرخصی کرده‌اند و وقتی به آنها مثلاً برای شغل خود ما اعلام شده است که اینجا دفتر نشریه است و عمله پرسنل (خبرنگار، عکاس و حتی گرافیست) دورکار هستند را خلاف قانون اعلام کرده‌اند و گفته‌اند که پرسنل ملزم هستند تا در محل کار حضور داشته باشند و گویا بازرسان این سازمان تشخیص می‌دهند که خبرنگار ما در این ترافیک و آلودگی باید به دفتر بیاید یا مستقیم به محل تهیه گزارش یا خبر خود رجوع کند و خروجی را با ایمیل یا پیام‌رسان ارسال نماید؟!

وقتی هم که می‌گوییم شیوه کار ما حتی پیش از شیوع کرونا این‌گونه بوده است می‌گویند اشتباه است و این فرد کارمند محسوب نمی‌شود و نوع قرارداد فرق دارد و شما نمی‌توانید او را بیمه کنید و خودش باید خود را بیمه کند پس جریان این‌همه تبلیغ دورکاری از چندین سال پیش چیست؟

اما تنافق با این گفته هم بسیار پیش آمده است برای نمونه؛ چند وقت پیش همکار یکی از نشریات که به صورت پژوهشی با این نشریه همکاری می‌کرده و اسمش در نشریه درج می‌شده است گویا به اداره کار (دیگر سازمان زیرمجموعه وزارت‌تخانه کار رفاه و تامین اجتماعی) مراجعه و به صرف اینکه اسمش در نشریه بوده است شکایت نموده که این نشریه وی را بیمه نکرده است و این همکار مشمول جبران خسارت و جریمه شده بود!

پاسخ‌گو این تنافق در دو سازمان یک وزارت‌تخانه چیست؟ وقتی بازرس می‌گوید این شخص که در دفتر حضور ندارد پرسنل شما نیست و نوع قرارداد متفاوت است چرا وزارت کار کسی که آزاد فعالیت داشته است تنها به صرف اینکه اسمش داخل مجله بوده است را نیروی کار این مجموعه حساب کرده است؟ چرا بازرسان تامین اجتماعی به حضور افراد در محل دفتر تاکید دارند؟ مگر استراتژی همه کسب‌وکارها باید ثابت و مورد تایید آقایان باشد؟

عدم درک شرایط کسب‌وکارهای گوچک توسط دولتی‌ها

گویا دولتمردان، قانون‌گذاران و مسئولانی که قوانین و دستورالعمل‌های سازمان تامین اجتماعی را تعیین کرده‌اند اصلاً در بطن جامعه و کسب‌وکارها قرار ندارند و از اوضاع کشور بخصوص در چند سال اخیر و اجاره‌ها آن هم واحدهای تجاری اطلاع ندارند و ایشان ندیده‌اند که چندین کسب مختلف در یک دفتر واحد فعالیت دارند و چه بسیار کسب‌وکارها که توان پرداخت اجاره را نداشته‌اند تعطیل شده‌اند.

بعضاً شاهد هستیم در یک دفتر ۵۰ متری بیش از دو کسب‌وکار مختلف با پرسنل خود فعالیت دارند و صاحبان این کسب‌وکارهای بسیار کوچک نهایت تلاش را در کم کردن هزینه دارند.

حال چگونه با یک کد پستی باید پرسنل خود را بیمه کنند؟ اگر مشکل قانونی دارد چگونه همگی این کسب‌وکارها به صورت حقوقی در این محل ثبت و یا به صورت حقیقی از یکی از ارگان‌های رسمی مجوز فعالیت دارند؟ اگر هم خلاف است و این عزیزان خلاف انجام می‌دهند پس لطفاً وزارت‌تخانه کار رفاه و تامین اجتماعی به عنوان مسئول و نماینده دولت محترم ترتیب اتخاذ فرماید تا این افراد در یک سازمان دولتی یا شرکت معتبر که دفتر مستقل دارند استخدام شوند. البته شاید هم مدیران به درآمد خود نگاه کرده‌اند و مبلغ اجاره واحدهای تجاری برایشان ناچیز است و خبر ندارند که اکثر این کسب‌وکارها سودی در حد همان حداقل حقوق تعیینی قانون وزارت کار دارند!

چرا تامین اجتماعی در بیمه مانع تراشی می‌کند؟

کارشناسان سازمان تامین اجتماعی اعلام می‌کنند باید دفتر مستقل داشته باشید و هر کد پستی یک کارگاه، جز این است که این افراد می‌خواهند حداقل حق بیمه تعیین شده (۳۰ درصد) را پرداخت نمایند؟

کسب‌وکارهای مجازی که بدون دفتر فعالیت دارند و نیروهایی نیز استخدام کرده‌اند چگونه باید پرسنل خود را بیمه کنند؟

با رشد تجارت الکترونیک شاهد هستیم که بخش عمده‌ای از افراد در خانه فعالیت دارند و با یک یا دو پرسنل که عموماً دورکار هستند یا بیرون فعالیت دارند مثل کارپردازها یا پیکارها همکاری دارند حال چگونه آنها را بیمه کنند؟

وقتی یک فروشگاه کوچک الکترونیکی یک اتاق در یک واحد تجاری جهت فعالیتش کافی است و نیروهایی نظیر ادمین، برنامه‌نویس‌ها یا پشتیبان‌ها به راحتی بدون حضور به دفتر می‌توانند کار را انجام بدند چگونه باید نیروهای خود را بیمه کند که

مشمول جریمه وزارت کار نشوند و از همه مهم‌تر بتواند انگیزه حداقلی نیروی کار را حفظ کنند؟ وقتی یک نیرو رسما کارمند یک مجموعه است و ناچارا به صورت خویش فرما بیمه شود از مزایای مختلف بیمه نظری بیمه بیکاری محروم شود با چه امیدی کار خود را در این مجموعه ادامه می‌دهد؟

عدم پشتوانه و مشکلات متعدد باعث می‌شود تا کارکنان به دنبال کار در واحد معابر تری باشند پس به راحتی نیروهای کاری کسب و کارهای بسیار کوچک پس از مدتی که حرفه‌ای تر شدند جذب شرکت‌های بزرگتر می‌شوند تا در یک محیط مطمئن‌تر استخدام شوند، وقتی آموزش و استخدام پرسنل کارآمد برای شرکت‌های بزرگ‌تر و سودده هم بسیار هزینه‌بر است آیا جز این است که خود می‌تواند عاملی در تعطیلی واحدهای کسب و کار باشد؟

شاید بگویید قانون تجارت است. قبول، اما به یاد داشته باشید که صاحبان این کسب و کارهای خرد هم علاقه‌ای به ادامه با این شرایط کار را ندارند و از ناچاری است. اتفاقاً ترجیح می‌دهند تا کسب و کار را تعطیل کنند و در یک واحد کسبی معابر استخدام شوند و دقیقاً چنین درخواستی از دولت دارند تا از دردرس‌های مختلف هم راحت شوند.

بخش عظیمی از کسب و کارهای مشترک فعالیت‌دارند تکلیف آنها چیست؟

محل کسب و کار مشترک نظیر مغازه یا دفاتر نه شامل تهران که کل کشور هست.

این متن طولانی است اما برای اینکه مسئولانی که گویا اصلاً شرایط کسب و کارهای کوچک را در نظر ندارند تا حد زیادی در جریان امور قرار بگیرند ترجیح می‌دهم تا چند مثال با شرح کامل بنام: این نمونه‌ها برای اکثر دولتانی که در جامعه هستند تکراری است ولی احتمالاً مدیران و قانون‌گذاران، بخصوص در وزارت کار، رفاه و تامین اجتماعی با شرایط آشنا نیستند پس لازم است تا بیشتر آشنا شوند تا تمهداتی در نظر بگیرند:

۱- خود من با چند نشیره دیگر دفتری اجاره کردیم ضمن اینکه فعالیت‌های ما مستقل از هم بود علاوه بر اینکه از فضای مناسب بهره‌مند بودیم (می‌دانیم که قیمت اجاره یک واحد کوچک با بزرگ چند درصد تفاوت دارد). منافع دیگری هم برای هم داشتیم و آن هم خدماتی بود که به هم ارایه می‌دادیم مثلاً ما ترجیح می‌دادیم گروه تحریریه کامل در استخدام داشته باشیم و همکار دیگر آتیه طراحی را ترجیح می‌داد و ما خدماتی را با هم تهاتر می‌کردیم هم اجاره و هم هزینه‌ها کاسته می‌شد.

حتی دکتر انتظامی معاونت سابق مطبوعاتی در مراسم افتخاری سال ۹۶ مدیران مسئول هم موضوع دفتر اشتراکی را نشریات پیشنهاد دادند (دفتر مشترک و استفاده از نیروها و خدمات یکدیگر) هر چند ما چندین سال قبل از پیشنهاد ایشان این کار را انجام داده بودیم. البته ایشان پیشنهاد داده بودند که این مجلات با هم یک موسسه فرهنگی رسانه‌ای ثبت نمایند که شاید خیلی مورد قبول اکثر این نشریات نباشد.

اما از وقتی قانون یک کد پستی برای یک کد کارگاه در سازمان تامین اجتماعی اجرا شد عملاً باعث مشکلاتی شد. طبق قانون همه پرسنل شاغل در دفتر باید در یک کد کارگاه بیمه می‌شدند. اما با مشکلاتی که این روزها اداره کار برای کسب و کارها ایجاد می‌کند صاحبان مشاغل نمی‌توانند پاسخگو نیروهای کاری خود باشد، آیا کسی حاضر است پاسخگو نیروی فرد دیگری باشد؟ اجرای این قانون باعث شد تا این مجموعه از هم پاشید و حتی یکی از نشریات همکار تعطیل و ۳ پرسنل بیکار شدند که اتفاقاً به بیمه بیکاری معرفی شدند.

۲- چند وقت پیش وقتی یک وسیله برقی بنده خراب شده بود به یکی از دفاتر تعمیر مراجعه کردم متوجه شدم هر اتاق و حتی فضای پذیرایی به یک کسب و کار مستقل با حداقل سه پرسنل برای هر کسب و کار اختصاص دارد و وقتی جریان بیمه را پرسیدم اتفاقاً معضل این افراد هم بود از یک طرف به خاطر بورس بودن کار خود ناچار بودند تا در یکی از برج‌های معروف در زمینه تعمیرات لوازم برقی فعالیت کنند و از طرف دیگر اجاره مستقل هر کدام از واحدها حدود حقوق ۱۰ نفر از پرسنل بود حال آیا این کسب و کارها با درآمدهای پایینی که دارند و نهایت تلاشی که در جهت صرفه‌جویی و حفظ و ادامه کسب و کار خود دارند آیا می‌توانند مستقل یک واحد از این برج را اجاره کنند؟ در همین حادثه پلاسکو دیدیم که چند کارگاه مستقل تولیدی پوشک در یک واحد فعالیت داشتند.

۳- این روزها برنامه‌ریزی و برکارسی اداری و تجاری به نحوی شده است که کارگاه‌ها و واحدهای تولیدی حتی کسب و کارهای مستقر در شهرهای دیگر ناچار هستند یک دفتر کاری در تهران داشته باشند. برای نمونه یکی از دولتان که فعالیت آزمایشگاه صنعتی انجام می‌دادند و محل اصلی کسب و کار در اطراف تهران بود برای بخش بازرگانی دفتر مشترکی با یک واحد تولیدی دیگر اجاره کرده بودند و نیروهای شاغل در دفتر تهران را در کد کارگاهی واحد تولیدی بیمه کرده بودند که مورد نارضایتی پرسنل بود (به این علت که در شهر دیگر بیمه شده بودند).

جالب‌تر اینکه یکی از نیروهای اخراج شده به وزارت کار شکایت کرده بود که من شاغل در دفتر تهران بودم و در شهر دیگر

بیمه‌ام کرده‌اند که این شرکت مشمول جریمه و تخلف شده بود و موظف شده بودند تا کد کارگاهی برای دفتر خود بگیرند حال دو کسبوکار مستقل که نیاز به فضای محدود در تهران دارند چرا باید دو دفتر اجاره کنند؟ یا چرا باید نیروی کسبوکار دیگر را بیمه کنند؟! نکته‌ای که جالب است اینجا ذکر شود هلدینگ سیمان تامین یکی از شرکت‌های زیر مجموع شستا (وابسته به سازمان تامین اجتماعی) دفاتر شرکت‌های سیمانی زیر مجموع خود در تهران را تعطیل و شرکت‌های زیر مجموعه این هلدینگ، مجبور به استفاده از دفاتر اشتراکی شدند!

۴- طبق قانون هر فردی می‌تواند مدیر عامل یک شرکت ثبت شده باشد و کد کارگاه تامین اجتماعی هم بنام مدیر عامل ایجاد می‌شود. اما مدیر عامل می‌تواند مجوزهای کسبوکار حقیقی دیگری بگیرد مثلاً یک فرد مدیر عامل یک شرکت کامپیوتراست و مجوز یک نشریه هم به صورت حقیقی دارد حال وقی یک دفتر کسبوکار دارد و در دفتر خود می‌تواند هر دو کسبوکار را مدیریت نماید چرا باید دفتر دوم اجاره کند؟

برفرض اینکه با یک کد کارگاهی تامین اجتماعی شرکت یا نشریه پرسنل گروه کاری دیگر را بیمه کند. آیا این تداخل و ابهامی در وضعیت مالیاتی و دیگر ارگان‌های دولتی ایجاد نمی‌کند؟ آیا خبرنگار و پیراستار ارتباطی با یک شرکت کامپیوترا دارد؟ بخصوص اگر این پرسنل بخواهد رزومه خود را برای آینده تکمیل کند! یا بر عکس برنامه‌نویس علاقه دارد بیمه‌اش در یک کارگاه نشریه ثبت شود؟ شاید بگویید این کار اصلاً خلاف است، جز این است که دولت برای رفع بحران بیکاری بهتر نیست تا افراد حقیقی و حقوقی که امکان توسعه در هر کسبوکاری را دارند را تشویق نماید تا افراد بیشتر شاغل شوند؟

۵- کافی است سری به همین بازار تهران و بورس‌های مختلف بزنید برای نمونه همین خیابان جمهوری یا میدان امام خمینی تهران هر مغازه لوازم خانگی یا موبایل به چند نفر اجاره شده است؟ چند نفر از عهده اجاره کامل یک واحد برمی‌اید؟ در آخرین سوال مطرح است کدام کسبوکاری به جز از ناچاری، دوست دارد از محل کار اشتراکی استفاده نماید؟

آیا سازمان تامین اجتماعی زیر مجموعه دولت است؟!

از مهرماه جاری سازمان تامین اجتماعی به هیچ عنوان کارگاه‌های کوچک تحت حمایت را ثبت نمی‌کند به این دلیل که دولت به سازمان بدهی سنگین دارد. احتمالاً این وزارت‌خانه خارج از مجموعه دولت است و وزیر توسط فرد دیگری به غیر از دولت تعیین شده است آن هم در شرایطی که حتی کسبوکارهای بزرگ در دوران کرونا از دولت در خواست دارند تا به خاطر شرایط کرونا به آنها تخفیف داده شود!

نکته پایانی

اکنون که دورکاری در حال نهادینه شدن است و بسیاری از مشاغل نیازی به دفتر ندارند یا در یک دفتر اشتراکی می‌توانند فعالیت کنند و تجارت خانگی الکترونیکی توسعه بسیاری داشته است و در درآمدزایی و کاهش بیکاری تاثیر خوبی داشته است سازمان تامین اجتماعی بپذیرد که ثبت کد کارگاه فقط برای یک کد پستی معضل زیادی برای مشاغل ایجاد می‌کند.

البته این قانون برای کارگاه‌هایی که از هیچ حمایتی استفاده نمی‌کنند و ۳۰ درصد حق این سازمان را کامل پرداخت می‌کنند بیشتر جای سوال دارد که چرا اجازه ندارند.

حتی در کارگاه‌های تحت حمایت هم می‌تواند اعلام کنند که هر تعداد کارگاه مشمول هم که در یک کد پستی فعالیت دارند هر کد پستی حداقل ۵ نفر می‌تواند از بخسودگی حق کارفرما استفاده کند و فکر نمی‌کنم تشخیص آن هم کار سختی در برنامه‌نویسی و توسعه سامانه باشد!

لازم است که تاکید کنم این قراردادهای خویش فرمایی ۱۸ درصد و ۱۴ درصد اصلاح برای پرسنل جذاب نیست و آنها ترجیح می‌دهند تا به صورت کارگری بیمه شوند تا خویش فرما، پس معضل اساسی در حفظ و ادامه حیات و حتی توسعه کسبوکارهای خرد ایجاد می‌کند و باعث می‌شود بعد از مدتی پرسنل خود را از دست و چه بسیاری به همین دلیل ساده تعطیل شوند.

تامین اجتماعی می‌تواند یک پشتونه برای آینده شاغلین بخصوص در دوران بیکاری باشد و چنانچه این سازمان کمک نماید تا افراد زیر پوشش بیمه باشند استرس پرسنل و در نتیجه کسبوکارها کاسته خواهد شد و می‌تواند نقشی اساسی در امنیت مشاغل و افراد، کاهش بیکاری و از همه مهم‌تر افزایش روحیه کارآفرینی داشته باشد.

دولت و ارگان‌های حکومتی هم در این روزگار پر رقابت حداقل کاری که می‌توانند انجام بدهند سازمان تامین اجتماعی را تبدیل به پشتونه‌ای برای کسبوکارها نمایند.

ادame دارد ...